

مجاهدان راستین

مرحوم سید محمد باقر طباطبایی

«یا ایها النبی جاهد الکفار والمنافقین واغظ علیهم و مأویهم جهنم و بس المصیر» (سوره توبه، آیه ۷۳)

ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر ایشان سخت گیر و جایگاه آنها جهنم است و چه بد سرانجامی است.

طبق آیه شریفه پیامبر اکرم مأمور شدند تا با کفار بجنگند و با منافقین (از طریق قطع رابطه، مذمت و ملامت و افشای ماهیت آنان) جهاد نمایند و در این مبارزه کوتاهی نکند.

برای آنکه روشن شود که در روزهای سخت مبارزه چه کسانی مدعیان دروغین هستند و چه بزرگانی مجاهدان راستین، نظری اجمالی می‌اندازیم به گروه‌های مختلف که بر گرد رسول مکرم اسلام جمع شده بودند.

عافیت طلبان دون همت

عده‌ای دنیا طلب بودند که اگر به آنان صدقات عظامی شد خرسند بودند و اگر از آنها منع می‌شد ناراضی می‌شدند و غضب می‌کردند قرآن کریم درباره این گروه فرموده است.

«ومنهم من یلمزک فی الصدقات فان اعطوا منها رضوا وان لم یعطوا منها اذا هم یسخطون» (سوره توبه، آیه ۵۸)

بعضی دیگر انسان‌های مرفه و مالدار بودند که می‌خواستند با آسایش طلبی زندگی را سپری کنند ولی برای آنکه بد نباشد از پیامبر برای ترک جهاد اجازه می‌خواستند.

قرآن مجید این‌گونه افراد را سخت مورد سرزنش قرار داده است و می‌فرماید اینها راضی شدند با زنان خانه‌نشین و کوران و بیماران در پشت جبهه بمانند و در جهاد شرکت نکنند.

«وإذا أنزلت سورة أن امنوا بالله وجاهدوا مع رسوله استئذنك أولوا الطول منهم وقالوا ذرنا نكن مع القاعدین
رضوا بان یكونوا مع الخوالف وطبع علی قلوبهم فهم لا یقظون» (سوره توبه، آیه‌های ۸۶ و ۸۷)

زمانی‌که سوره‌ای نازل شود که به خداوند ایمان بیاورید و همراه فرستاده‌اش جهاد کنید کسانی که صاحب قدرت و امکانات مالی هستند از تو اجازه می‌خواهند که بگذار ما با خانه‌نشینان باشیم اینها راضی شدند با انسان‌های ناتوان و درمانده که از جنگ و بیکار عاجزند باقی بمانند و بر قلب‌های آنان مهر (شقاوت) زده شد و اینها دوست نمی‌فهمند.

آری اگر اینها فهم درستی داشتند باید به مراتب بلند مجاهدان و مقامات عالی آنان که خدا بر ایشان



فراهم کرده است می‌اندیشیدند نه به زندگی زودگذر دنیا، این است خدای قهار که این گروه را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد چنانکه در آیه ۹۳ از سوره توبه فرمود: «تنها مؤاخذه بر گروهی است که با وجود اینکه غنی و بی‌نیازند از تو (ای پیامبر) اذن ترک جهاد می‌طلبند»

گروه دیگری را قرآن با عنوان «معدّرون من الاعراب» اسم می‌برد در تفسیر آن باید گفت: که اگر اینها واقعاً عذر شرعی داشته‌اند بر آنان ملامت و مؤاخذه‌ای نبوده است ولی اگر عذرهای آنان بی‌جا و واهی

بوده اینها مورد مؤاخذه‌اند.

قرآن از گروه دیگری یاد می‌کند که این‌ها هم از شرکت در جنگ تخلف کردند و از اینکه با رسول گرامی مخالفت نمودند خشنود بودند.

بازماندگان از جنگ تبوک از اینکه با رسول خدا مخالفت کردند خوشحال شدند و خوش نداشتند که با مال‌ها و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کنند و گفتند در این گرما کوچ نکنید بگو آتش جهنم بسی گرم‌تر است اگر بفهمند پس باید بخاطر این سرانجام شوم کم بخندند و زیاد گریه کنند که پاداش کارشان قهر و غضب خداوند و آتش دوزخ است.

مجاهدان راستین

با نگاهی اجمالی به سوره توبه درمی‌یابیم که در برابر تمام این گروه‌های فریب کار، مؤمنین واقعی هیچ‌گاه حاضر نمی‌شدند برای ترک جهاد از پیامبر اجازه بخواهند مگر اینکه واقعاً عذر موجهی نظیر بیماری و کوری داشته باشند که به فرموده قرآن کریم بر این گونه افراد ناتوان در ترک جهاد باکی نیست و مورد مؤاخذه نیستند.

مؤمنانی که ایمان به خدا و رسول در دل آنها رسوخ کرده بود با مال و جانشان در راه خدا می‌جنگیدند «لکن الرسول والذین آمنوا معه جاهدوا باموالهم وانفسهم واولئک لهم الخیرات واولئک هم المفلحون» (سوره توبه، آیه ۸۸)

آری در برابر منافقین که، همیشه برای فرار از دشمن دنبال فرار گاهی هستند تا در کوهی یا غاری یا پناهگاه دیگری پنهان شوند، رسول گرامی و مؤمنین همراه او با مال و جانشان جهاد می‌کنند، خدای متعال هم در عوض کار آنها تمامی خیرات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی را نصیبشان فرموده است و آنان را رستگار شمرده است و بهشت جاودان خود را برای اینان آماده فرموده و فوز عظیم را ارزانی آنها داشته است.

از این گروه می‌توان با عظمت یاد کرد و به عنوان مجاهدین راستین و مبارزین مخلص نام برد البته گروه دیگری هم در ردیف همین‌ها هستند که قرآن کریم داستان آنها را این‌گونه نقل می‌کند که پیش پیامبر آمدند و مرکب سواری برای اعزام به جبهه جنگ تقاضا کردند پیامبر فرمودند: من فعلاً مرکبی که شما را بر آن سوار کنم و به جبهه بفرستم ندارم آنها چنان از این ماجرا ناراحت شدند که اشک از چشمان آنها جاری شد این مستضعفان با ایمان از این ناراحت بودند که چرا چیزی ندارند که در راه خدا انفاق کنند

و حتی از داشتن اسب سواری برای رفتن به میدان جنگ محرومند.

«ولا علی الذین اذا ما اتوک لتحملهم قلت لا اجد ما احمکم علیه تولوا واعینهم تفیض من الدمع حزنا ألا یجدوا ما ینفقون» (سوره توبه، آیه ۹۲)

در این آیه شریفه خداوند ضمن تشریح حال این گروه می فرماید بر اینها راه مؤاخذه‌ای نیست آنها به تکلیف خود عمل کرده‌اند راه مؤاخذه بر آن ثروتمندانی است که راضی بودند با خانه‌نشینان و زنان و کوران و لنگان در پشت جبهه بمانند آنها نادانانی بودند که مهر شقاوت و بدبختی بر دل آنها خورده بود.

در شأن نزول آیه ۹۲ سوره توبه چنین وارد شده است:

هفت نفر از فقرای انصار خدمت پیامبر رسیدند و تقاضا کردند وسیله‌ای برای شرکت در جهاد در اختیارشان گذارده شود اما چون پیامبر(ص) وسیله‌ای در اختیار نداشت به آنها جواب منفی داد و آنها با چشم‌های پر از اشک از خدمتش خارج شدند.

«این نشان می‌دهد که این گروه از یاران پیامبر(ص) بقدری شیفته و دل‌باخته و عاشق جهاد بودند که نه تنها از معاف شدن خوشحال نشدند بلکه همچون کسی که بهترین عزیزانش را از دست داده است، در غم این محرومیت اشک می‌ریختند... بخاطر قدردانی از این گروه بطور مستقل ضمن یک آیه وضع حالشان مجسم شده است ویژگی اینها در این بود که:

اولاً به این قناعت نکردند که خودشان وسائل لازم برای شرکت در جهاد ندارند، بلکه نزد پیامبر آمدند و با اصرار از او مطالبه مرکب نمودند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ثانیاً هنگامی که پیامبر(ص) به آنها جواب منفی داد نه تنها از معاف گشتن شادمان نشدند بلکه فوق‌العاده منقلب و ناراحت و اندوهناک گشتند به خاطر این دو جهت خداوند آنها را به طور مشخص و جداگانه بیان کرده است»

آری در آیه قبل از این آیه شریفه گروه‌های دیگری از قبیل ضعفا، مریضان و فقرائی که برای خدا و رسول خیرخواهی می‌کنند را معذور داشته است و در یک حکم کلی فرموده است: «ما علی المحسنین من سبیل» بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست ولی به دلایلی ذکر شد از آن عزیزان که آمدند از رسول گرامی طلب مرکب کردند و چون پیامبر نداشت آنها به شدت ناراحت شدند در آیه جداگانه تقدیر فرموده است.